

بوشهر از منظر تاریخ و اقتصاد

زیبا، متین و نیروبخش

فریبرز رئیس دانا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بهار آمد زمین فیروزه گون شد به گل چیدن در آمد یار فایز

به عزم سیر، دلدارم پرون شد گل از خجالت تمامی سرنگون شد فایز دشتستانی

بوشهر سرزمین وفا، زیبایی، فرهنگ و انسانیت است. بوشهر و همه‌ی بخش‌ها و مناطق آن که در جنوبی‌ترین جغرافیای خاکی ما قرار گرفته است تاجی است بر سر خلیج فارس و شانه‌ی ستبری است که میهن آزاده و مستقل ما را صبورانه تحمل کرده است. بوشهر انبارگاه و بن‌گاه یکی از امید بخش‌ترین نیروهای حیات بخش تمدن بشری، یعنی گاز است، بدین سان نوید حیات مردمی و عادلانه در سرزمین ما بسته با امید جاودانه در استان بوشهر و در شهر بوشهر است.

بوشهر نخستین هسته‌های مقاومت خودانگیخته علیه سلطه و تجاوز بیگانه و استعماری را در خود جای داده است. بوشهر محل تولد دانش و آگاهی در سرزمین ماست. اگر آذربایجان و گیلان به معرفت سیاسی و خوزستان به تأمین نیروی زندگی تمدن صنعتی به خود می‌بالند، بوشهر فخر آگاهی و معرفت، ژرفای تمدن‌پایداری و کوشش و مخزن امیدبخش سوخت حیاتی برای مردم ایران و بقای تمدن جهانی است. بخش‌ها و مناطق کوهستانی استان بوشهر، که انتهای جنوبی زاگرس سربلند را در آغوش دارد و در امتداد فیروزه‌ای و موج گستره‌ی خلیج فارس دامن گسترده و دشت‌های کشاورزی و دامداری تفت زده را در شمال خود دارد، هریک زادگاه و جایگاه ارزش آفرینی‌های سیاسی، مردمی، اقتصادی و هنری و ادبی اند. حیف می‌آید از میان هزاران قهرمان عرصه‌ی تلاش و مبارزه و مهم از عبداللطیف، میرمهنا، رئیس علی دلواری، که یکی از نمادهای مقاومت تاریخ میهن ماست نام نبریم. اما پیش از آن دریغ که از اعضای فرهیخته کانون نویسندگان ایران در بوشهر از جمله از زنده‌یاد منوچهر آتشی و علی باباجاهی غافل بمانیم و در کنار آنان زنده یاد صادق چوبک، غلام حسین شریفیان و حسین دولابی و از همکاران روزنامه‌ای خوب و گرم و صمیمی نسیم جنوب را فراموش کنیم. فهرست بزرگان علم و ادب و هنر بوشهر بسی بزرگ‌تر از بضاعت قلم من و فضای این ماهنامه است.

این، اما، همه‌ی دین ما به بوشهر، تنگستان، دشتستان، دشتی، دیر، کنگان، گناوه، دیلم، جم و عشایر استان نیست، بیش از همه چیز باید در برابر کارگران و تلاش‌گران و آموزگاران شریف استان که در محرومیت و گرم‌زدگی با جیره‌ای اندک در صحنه‌های تولید گاز ارزش می‌آفرینند سر فروتنی و احترام فرود آوریم. دیدیم به رغم این تلاش‌ها، کمی خدشه در مدیریت گاز چه‌سان در سرمای سوزان امسال، صدها تن در مناطق یخ‌بسته‌ی سرزمین ما یخ بستند یا دچار گاز گرفتگی شدند. با این همه، این تلاش بوشهر بود که جان میلیون‌ها نفر را نجات داد. سیاست‌های نادرست و ناکارشناسانه و عملکردهای مبتنی بر منافع و قدرت نمی‌گذارد بهره‌برداری از گاز با منافع ملی، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و آینده‌نگری برای نسل‌ها سازگار شود و حاصل آن که آن همه تلاش و ایثار در جایی در آذربایجان، گیلان و تهران و مازندران بی‌اثر می‌ماند و دریغا. به گمان، راه درست برای بهره‌برداری و مصرف درست همانا احترام و تفویض قدرت به ارزش‌آفرینان واقعی کشور از جمله بوشهر عزیز و دوست‌داشتنی است.

کسی به خوبی نمی‌داند که واژه‌ی «بوشهر» تغییر شکل یافته‌ی «بوخت اردشیر» به معنی شهر رهایی است (یعنی شهری که اردشیر در آن رهایی یافت) یا تغییر شکل یافته‌ی ری شهر یا همان «راو اردشیر» که به گفته‌ی تاریخ‌طبری یکی از شهرهایی بوده است که اردشیر، نخستین پادشاه ساسانی، دستور ساخت آن را در سراسر ایران زمین داد و در کنار بوشهر کنونی وجود داشته است. اما قولی نیز می‌گوید که اعراب بوشهر را «البوشهر» تلفظ می‌کنند که مخفف این کلمه «بوشهر» است و مخفف آن نیز بوشهر. قول دیگری می‌گوید «بوشهر» یعنی پدر شهرها. من هم نمی‌دانم قول غالب کدام است.

اما واقعیت این است که در زمان ساسانیان بوشهر یا جایی در کنار بوشهر از موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و نظامی مهم به‌ویژه در خلیج فارس برخوردار بوده است. امپراتوری ساسانی به این شهر نوسازی شده و توسعه‌یافته وابستگی جدی داشته است. اما بی‌تردید قدمت سکونت در این منطقه اقتصادی و جغرافیایی مهم به عصر امپراتوری عیلامی (که البته متفاوت با استان ایلام کنونی ایرانی است) می‌رسد. گویا آن زمان نام این شهر لیان (به معنی آفتاب درخشان) بوده است. یکی از جغرافی‌شناسان باستان ایران از شهری در همین محل به نام «یوناخا» یا شهر یونانی یاد کرده است که در

زمان سلوکیان (جانشینان اسکندر) ساخته شده بود. گورهای عیلامی و خشت‌نشته‌های چندی از تمدن این قوم در منطقه‌ی بوشهر کشف شده‌اند. در تاریخ به عنوان یک یافته‌ی محکم آمده است که هخامنشیان در حوزه‌ی ریشهر به ساختن بناها و پادگان‌ها همت گماشتند. یکی از کاخ‌های مشهور کوروش که در سال ۱۳۵۰ از زیر خاک بیرون آمد کاخ زمستانی است که در یک کیلومتری جنوب برازجان واقع است که گویا جزئی از یک مجموعه‌ی بزرگ در آن منطقه است. آثار دیگری در نزدیکی سعدآباد از دوره‌ی هخامنشی به دست آمده‌اند. هخامنشیان و ساسانیان از قدرت‌های دریایی زمان خود بودند و تاریخ‌نویسان احتمال می‌دهند که لشکر کشتی‌های کمبوجیه و داریوش هخامنشی به مصر از طریق سواحل خلیج فارس به ویژه منطقه‌ی بوشهر اتفاق افتاده باشد. گویند اردشیر نیز در گریز از دست اردوان و رسیدن به آب‌های خلیج فارس بود که فرمان داد شهری نجات‌بخش در آنجا (در بوشهر) بسازند.

وزین سو به دریا رسید اردشیر
تو کردی مرا اینم از بد کنش
به نزدیک دریای یکی شادمان
بی‌افکند و شد شارسان کارسان
بعد از اسلام در زمان حکومت دیلمیان، به‌ویژه در عصر عضدالدوله دیلمی، بود که قلمرو حکومت به فارس، خوزستان رسید. از عضدالدوله دیلمی آثاری در بندر سیراف



تندیس رئیس‌علی دلواری در خانه‌اش که هم‌اینک موزه است
ظاهری به جای مانده است. و از آن جمله است عضدی در سیراف و کشتی‌بندان نابند (ناویند).

اتابکان فارس توجه ویژه به خلیج فارس و بوشهر داشتند در دوره‌ی صفوی بندر ریگ به مبدأ ورودی دریایی کشور تبدیل شد. در زمان نادرشاه بوشهر اهمیت محدودی در حمل‌ونقل و عملیات نظامی کشور به عهده داشت. از همان زمان تلاش برای ایجاد کارخانه‌ی کشتی‌سازی در بندر بوشهر آغاز شد (که البته با موفقیت همراه نبود).

در عصر کریم‌خان زند، دوره‌ی گسترش امپراتوری‌های استعماری پرتغال، اسپانیا، فرانسه، انگلستان و هلند آغاز شده بود. هلندیان جزیره خارک را اشغال کردند. مبارزات به رهبری میرمهنای ریگی در همین زمان آغاز شد که منجر به خروج اشغال‌گران گردید. انگلیسی‌ها نیز بارها از میرمهنا شکست خوردند.

در دوره‌ی جدید با اهمیت یافتن بندر خرمشهر، بوشهر از اهمیت افتاد. اما دوباره به عنوان یک شهر با هدایت و موقعیت در سطحی آرام رشد می‌کرد بر پایه‌ی ارزش‌های درونی خود استوار ماند. با بهره‌برداری از گاز کنگان و سپس ایجاد منطقه‌ی ویژه‌ی انرژی عسلویه این شهر رشد تندی را آغاز کرد (که البته هنوز از رشد آبادان، خرمشهر و اهواز در آغازین مراحل آن پایین‌تر است).

نادرشاه برای کوتاه کردن دست عرب‌های مهاجم از سواحل ایران و حفظ امنیت این منطقه در صدد تأسیس نیروی دریایی نیرومند بود. او عبداللطیف خان را به مرکزیت

بوشهر مامور این کار کرد. این نماینده آموذدهای زیادی بین کمپانی هند شرقی، صاحبان کشتی و چند شیخ عرب به عمل آورد و بالاخره با پی گیری و علاقه و قاطعیتی که داشت بر نگرانی ها و سنگ اندازی های کمپانی هند شرقی غلبه کرد و ناوگان دریایی جنوب را با چند فروند کشتی به راه انداخت. حاصل کار او حمله به بحرین و فتح آنجا بود که منجر به انتقال خاندان طاهری به ایران و ایجاد فضای امن برای ایرانیان بحرین شد. استفاده از ناوگان و فرماندهی عبداللطیف خان برای کوتاه کردن دست شیخ های بحرین از این جزیره یک بار دیگر هم صورت گرفت و این جزیره پس از سال ها جدایی بار دیگر به ایران ضمیمه شد. عبداللطیف خان امام مسقط را نیز در عمان شکست داد و بالاخره توانست خلیج فارس را به منطقه ای آرام مبدل کند. این سردار عاقبت خوشی نداشت و همانند شمار زیادی از رزمندگان استقلال در تاریخ ایران با توطئه حاکمان فارس مسموم و کشته شد.

حکومت بوشهر در زمان نادر در دست خاندان آل مذکور مهمیری بود. طرح جدید شهر بوشهر به دستور نادر و توسط شیخ ناصر ایومهمیری تدوین شد. در دوره حکومت این خاندان البته شهر بوشهر از رویدادهای ناگوار بی نصیب نماند. حمله تیمور میرزا نایب الایله فارس با یاری روسا و خوانین منطقه و غارت شهر یکی از این رویدادها بود. حمله ای اعراب از طایفه ی بنی عتب نیز فاجعه دیگری بود. اولین حمله ی انگلیسی ها به بوشهر در همین دوره اتفاق افتاد. هم چنین است تصرف خارگ توسط هلندی ها و مقاومت میرمهنا که به آن اشاره



کردم. در دوره ی کریم خان زند روابط حسنه بین ایران و انگلیس جریان داشت و بوشهر به مرکز تجارت آزاد انگلیسی ها تبدیل شد. در این دوره قراردادی در ۱۰ ماده بین حاکم بوشهر و نماینده ی دولت انگلیس برقرار شد و وقتی قرارداد به رویت کریم خان در شیراز رسید او چهار ماده دیگر به آن افزود که البته قدرت انگلیسی ها را نسبت به قرارداد قبلی کاهش می داد. کریم خان با مشاهده ی کارکرد واقعی انگلیسی ها قرارداد مزبور را لغو کرد که نتیجه ی آن خروج اعتراض آمیز آنها از بوشهر بود. وقتی انگلیسی ها به دلیل بروز بیماری طاعون بصره را ترک کردند کریم خان این رفتار آنان را زنده تلقی کرد و ناوگانی را به تعقیب آنان گماشت که نتیجه اش کشته شدن دو نفر انگلیسی بود. آنها به هر حال برای ایران خواب ها دیده بودند و در نتیجه در سال ۱۷۷۵ میلادی دوباره به ایران بازگشتند و دفتر کمپانی هند شرقی را در بوشهر دایر ساختند.

کمپانی هند شرقی انگلیس (و فرانسه و هلندیان) در جنوب (بوشهر) دست به توطئه ها و مداخله ها زدند. دولت های ناپایدار و بی پایه ی اواخر صفوی و دوره ی قاجار توان جلوگیری از این فجایع را نداشتند. شیوخ و حاکمان محلی نیز در چارچوب منافع خود از این قدرت های بیگانه تمکین می کردند و با آنان شریک می شدند. مقاومت های مردمی (که نمونه ی به یادماندنی آن بعدها در تنگستان اتفاق افتاد) در مقابل این دو ظلم خارجی و داخلی ادامه داشت اما حکام محلی به شکل های مختلف آنها را سرکوب می کردند. نیروهای انگلیسی در دوره ی قاجار سه بار به بهانه های مختلف به بوشهر حمله کردند. شرح بهانه جویی ها و مبارزات مردم استان بوشهر تاریخی زبانزد دارد که هر کدام غرور و افتخار ملی مردمی که تجاوز و زور را در برهه هایی از زمان برنتابیده اند یادآوری می کند. در دوره های قاجار به رغم مقاومت مردم، کنسول گری انگلیس در بوشهر محل تجمع و

رفت و آمد و مداخله ی ژنرال های انگلیسی بود که خود را قدرت بی همتای خلیج فارس می دانستند. لرد کرزن و پرسی سایکس آب های خلیج فارس و جزایر و بنادر آن را ملک موروثی اعلی حضرت انگلیس قلمداد می کردند.

به هر حال با قدرت یافتن حکومت مرکزی در زمان پهلوی اول و سپس با برقراری سلطه ی آمریکا در ایران و منطقه، بوشهر از تعرض مجزا و ظاهری امپریالیستی در مصون ماند اما در مجموع وابسته به روند توسعه ی وابسته ی ایران شد. در این شرایط بوشهر تا سال ۱۳۴۹ جزئی از استان فارس بود و پس از آن به فرمانداری کل تبدیل و سپس در سال ۱۳۵۲ استان مستقلی شد به نام استان بوشهر.

ارتباط استان بوشهر با شیراز از طریق کوه ها و کتل های سخت گذر و هولناک میسر بود اما به تدریج راه ها گسترش یافتند و امن و تعریض شدند. با بهره برداری از میدان های گازی خطوط ارتباطی گسترش و بهبود یافتند. خط ارتباطی زمینی جدید از فیروزآباد تا عسلویه مسیری قوی و نسبتاً تند گذر را در اختیار قرار داده است.

با این وصف سهم استان بوشهر که سابقه ی تاریخی مقاومت و فرهنگ را در خود دارد که از مقاومت در برابر متجاوزان تا مقاومت طولانی در حصار هولناک قلعه زندان برازجان برای آزادی خواهان و عدالت جویان دو نسل قرن اخیر امتداد می یابد. بوشهر امروز در کنار خوزستان که مسئولیت نفت ایران را برعهده دارد مسئولیت اصلی گاز را برعهده گرفته است، اما سهم آن نا عادلانه است.

استان از محرومیت ها و تبعیض ها رنج می برد. هنوز بوشهر که مرکز استان گاز کشور است خود شبکه ی گاز ندارد. مسئولین عسلویه هیچ مسئولیتی برای اثرگذاری بر زندگی مردم محروم دشتستان و دشتی و تنگستان به عهده نمی گیرند. توجه به بوشهر باید مانند علاقه ی همه مردم ما به خوزستان در مرکز توجه و جدان ملی قرار گیرد. بوشهر سرزمینی گرم، وفادار، بی ادعا و در سرشت خود قهرمان است. مردم بوشهر بسیار صمیمی، نازنین، با فرهنگ و از حیث شخصیتی، مردمی قوی و با گذشت اند. یادمان نرود که این مردم با معرفت، که زود به خشم نمی آیند، وقتی به پا خیزند زود بر جای نمی نشینند.

و اما نکاتی درباره اقتصاد بوشهر

استان بوشهر آرمیده در امتداد شمالی خلیج فارس، که نیمی سواحل آن را دربر دارد، ۲۲۷۴۳ کیلومتر مربع مساحت دارد. (۱۴ درصد کل کشور). این استان بین ۵۰ و ۵۳ درجه ی طول شرقی ۲۷ تا ۳۰ درجه عرض شمالی جای گرفته است. جمعیت استان در سال ۱۳۸۵ چیزی بیش از ۸۸۶۰۰۰ نفر، یعنی حدود ۱۲۶ درصد از جمعیت کل کشور در این سال بود. از این جمعیت بیش از ۵۷۷۰۰۰ نفر یعنی ۶۵ درصد شهرنشین بودند که در ۲۶ شهر استان زندگی می کردند. بقیه شهرها این گونه طبقه بندی می شوند: شهرهای کمتر از ۱۰ هزار نفر جمعیت ۱۴ شهر؛ شهرهای ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر ۸ شهر؛ شهرهای ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر ۳ شهر و یک شهر بزرگ یعنی بوشهر. دومین و سومین شهر استان برازجان و بندر گناوه است؛ ۷ شهر از این ۲۶ شهر شهرهای بندری اند. جمعیت غیر ساکن استان به ۵۴۵۰ نفر می رسد.

میانگین تعداد افراد خانوار در بوشهر بسیار بالاست. در حالی که در مناطق شهری ایران این رقم ۲/۴ است در مناطق شهری و روستایی بوشهر به ترتیب به ۴/۵ و ۴/۹۹ می رسد. نرخ رشد طبیعی جمعیت کماکان بالا است. برای اوایل تا اواسط دهه ی هفتاد محاسبه ی من در یکی از پژوهش هایی که برای استان داشتم نشان داد در برخی مناطق مانند دشتستان یا گناوه این نرخ به ۴/۷ می رسد که از بالاترین ها در دنیا بود. شهرستان های استان عبارتند از: بوشهر، تنگستان، دشتستان، دشتی، دیر، کنگان، گناوه، دیلم و جم. جمعیت شهر بوشهر در سال ۱۳۳۵ معادل ۱۸۴۰۰ نفر بود که در سال های ۵۵ و ۶۵ و ۷۵ به ترتیب به ۵۹۰۰۰ و ۱۲۰۰۰ و ۱۴۴۰۰۰ رسید و اکنون ۱۷۰۰۰۰ نفر است.

بخش اعظم گاز طبیعی کشور از این استان (عمدتاً کنگان و عسلویه) بهره برداری می شود و البته مناطق دیگر کشور گاز همراه نفت را تولید می کنند. بنا به آمار ۱۳۸۲ از کل ۱۷۷ میلیون هکتار مساحت بهره برداری کشاورزی فقط ۲۴۸ هزار هکتار آن در استان بوشهر قرار دارد که فقط ۷۰۰۰ هکتار آن اراضی آبی بود. استان از بی آبی نیز رنج می برد. با این وصف بخش مهمی بیش از ۵۰۰ هزار تن خرما تولیدی در ایران به استان بوشهر تعلق دارد. این استان نسبت به جمعیت و مساحت خود سهم بسیار کم تری از دامداری کشور را برعهده دارد.

از کل کارگاه های بزرگ (بیش از ۱۰ نفر کارکن) فقط ۰/۴ درصد آن در استان واقع شده اند. به این ترتیب توجه صنعتی به این استان بسیار ضعیف است اما از حیث صنایع

کتابی خواندنی و هدیه‌ای نفیس

سرور دانای آسمان (اسطوره‌ی ایرانی)

نویسندگان:

تونی آلن، چارلز فیلیپ، مایکل کریگان

مترجم: عباس مخبر

این اثر بافت در هم تنیده‌ای از اسطوره، تاریخ، هنر، المانها و فلسفه‌های نوس ایرانی است. جهان ایرانی، المانهای جهان اولیه، شعله‌های خرد، حماسه‌ی پادشاهان، سرزمین قلمه گویان و سرانجام «سیرت ایرانی» شش بخش اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد که هر یک در چندین فصل ویژگی‌های بارز این ملت و تعامل آنها با دنیای پیرامون خود را به روشنی بیان می‌کند. کتاب از اقل‌های دور تاریخ و فرهنگ پیش از ورود آریاییان آغاز می‌شود، و سپس به شرح ورود آریاییان، تاسیس امپراتوری بزرگ ماد و پارس و دستاوردهای آنها می‌پردازد. ظهور زردشت، آموزه‌های اصلی این کیش و برخوردش با این‌های پیش از خود به تفصیل بازگو می‌شود. سپس آنچه از این میراث به شاهنامه‌ی فردوسی رسیده و در قالب‌های بدیع و هنری بازگو شده است، بررسی می‌شود. ورود اسلام و شکوفایی تمدنی که در تلاطم‌های فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی شکل می‌گیرد از جمله مساحت مهم این بخش از اثر است.

سپس وارد دنیای قلمه‌ها و افسانه‌ها و عشق‌های رمانتیک درباری می‌شود و به شرح مهم ترین قصه‌های هزار و یک شب، داستان خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین اسعد کرگانی می‌پردازد و تأثیر آنها را بر ادبیات و هنر ایران و غرب بازگو می‌کند. تأثیر این اثر، موسسه معتبر تام - لایف است و تیمی متشکل از سه پژوهشگر کار را به انجام رسانده‌اند. ایران شناس برجسته، وینا سرخوش کرگانی نیز بر مراحل مختلف انجام کار نظارت کرده است. سوزان مطیّب سرآمد آن، مهم ترین ویژگی این اثر، تصاویر بسیار زیبا و رنگارنگ آن است. هنری ایران است که از موزه‌ها و کتابخانه‌های گوشه و کنار جهان گردآوری شده و با کیفیت عالی به چاپ رسیده است.

قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

تلفن‌های تماس: ۰۵-۸۸۷۳۵۷-۸۸۷۶۷۹۲
فاکس: ۸۸۷۶۸۲۲-۸۸۷۶۷۹۵



مقدمه‌ای بر داستان سفر

با ارائه‌ی تفصیلی از ۱۰۰ فرساده‌ی حکایت و داستان و در هر یک از این کتاب نفیس ۳۰۰ داستان آسمان و خاورها وجود دارد.

مجموعه‌ای است پس از آنکه ۱۰۰۰ تومان

تومان به حساب جاری ۱۹۹۵۱۰۰۰۰۰

بانک تجارت، شعبه‌ی آبدانچه نام موسسه

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۳۵۷ و ۰۲۱-۸۸۷۶۸۲۲

مجموعه‌ای است پس از آنکه ۱۰۰۰ تومان

مجموعه‌ای است پس از آنکه ۱۰۰۰ تومان

پتروشیمی (برای پلیمر، شیمایی، آروماتیک) استان به خاطر مجتمع بزرگ اقتصادی و انرژی عسلویه سهم نسبتاً بالایی را دارد و از این حیث نیز رشد می‌کند. با این وصف اثر رشدزای عمومی در زندگی کشاورزی صنعتی و نیز برسطح درآمد و رفاه مردم به چشم نمی‌خورد. می‌توان در این مورد به طرح‌های متانول چهارم، الفین دهم و یازدهم، اوره و آمونیاک چهارم و ششم و طرح‌های مشابه اشاره کرد که در عسلویه در چارچوب شرکت‌هایی چون پتروشیمی جم، مدیریت توسعه و جز آن کار می‌کنند.

استان بوشهر یکی از پر مناقشه‌ترین طرح‌های اقتصادی جهان را در خود جای داده است: نیروگاه اتمی بوشهر. نام بوشهر با سی و پنج سال در ازای زمان برای احداث نیروگاهی که باید دو سه ساله تمام می‌شد آمیخته شده است. صبر مردم بوشهر هنوز لبریز نشده است. قرار است تا چند ماه دیگر نیروگاه به کار بیفتد. ایران کماکان برحق غنی‌سازی اورانیوم برای تأمین سوخت این نیروگاه پافشاری می‌کند اما آمریکا و قدرت‌های غربی و شمار زیادی از کشورهای هم‌داستان آنان این اقدام ایران را که در حدود ۱۵ سال مخفی نگه داشته شده بود، اقدامی برای تولید بمب اتمی می‌دانند که بشریت را تهدید می‌کند.

مردم بوشهر نیز چنان که از ایشان شنیده‌ام مانند خیل عظیم مردم جهان درباره‌ی این سابقه می‌گویند که گیریم چنین باشد چه کسی گفته است که ایران اتمی بیشتر از آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه، چین، هند و پاکستان یا بیشتر از حاصل جمع آنها برای بشریت خطرناک است. آیا در مورد آمریکا که ۶۰ سال اخیر هر ۱۱ ماه یک جنگ بزرگ راه انداخته یا در آن مشارکت کرده تهدید علیه بشریت کمتر است؟ من یقین دارم روشنفکران و مردم آزاده و کارگران آگاه بوشهر همانند خیل گسترده هم‌وطنان خود طرفدار صلح و عدالت و آزادی‌اند. اما اگر شیوه‌های دموکراتیک و مشارکت مستقیم مردم تا اعماق جامعه از جمله در استان بوشهر نفوذ می‌کرد، هم‌توان درونی مقاومت مردمی، هم صلح‌جویی و پرهیز از اتمی شدن و هم تلاش برای نشان دادن ماهیت تبه‌کارانه نظامی‌گری اتمی قدرت‌مندان جهان، در سرزمین ما پا می‌گرفت و رشد می‌کرد.

آگاهی و همدلی مردم ساکن خلیج فارس، جنوب آسیا و خاورمیانه، اعم از ترک و عرب و فارس و اسرائیلی و هندو و پاکستانی و بلوچ و پشتو می‌تواند از هسته‌های مردمی به جای هسته‌های تهدید و تخریب و از همین بوشهر صمیمی نیز شروع شود. وای اگر این منبع انرژی به آماج تهدید علیه سرزمین و مردم بوشهر تبدیل شود.

بوشهر زیباست با شکوه است و می‌تواند به محلی برای جذب گردشگران طبیعت‌گرد، فرهنگی، جامعه‌گرا تبدیل شود. خلیج زیبا و باشکوه فارس، ساحل آرام بخش و صمیمی آن، کوه‌های زاگرس، دشت‌ها و جلگه‌های استان، سنت‌ها و رفتارها دوست‌داشتنی و تماشایی مردم بوشهر و خورشید تابناک منبع اصلی ترین انرژی اقتصادی است. بوشهر در بخشی از خزان، زمستان و ماه آغازین بهار بهشت زمینی رشک‌آمیزی است. بوشهر گاز ایران و بخش مهمی از گاز جهان را تأمین می‌کند. قرار نیست بهره‌برداری انسانی و توسعه‌گرا و عادلانه به بهره‌کشی ستم‌گرانه از طبیعت تبدیل شود. خویست گاز استان به زیر سفره‌های نفتی تزییق شود. خوب است توسعه‌ی پایدار با یاری مردمی پایدار به ثمر بنشیند. خوب است محیط‌زیست، شهرها و محیط اجتماعی بوشهر گرامی داشته شود. در همه حال شایسته و بایسته است که مردم استان در تصمیم‌گیری برای آن سرزمین شگفت و پر برکت میهن ما مشارکت واقعی و جدی داشته باشند. از بوشهر و از مردم آنجا همیشه با لبانی پر خنده و دلی پاک و پر امید یاد کنیم. هم میهنان بوشهری نوروزتان پیروز، کاش در آن هوای دلاویز در این نوروز در رویای بیداری سحرآمیز خلیج فارس زمردگون، بر ساحل گوهرین طلایی رنگ، بر آن خاک مشک‌بو در میان مهربانی‌های شما غوطه‌می‌خوردم و از خورشید زرفشان و نیروبخش آنجا کامیاب می‌شدم، نیمه‌شبان با رقص ماه بر دریا به خلسه می‌رقتم و با شما یک شب کوتاه شروه‌خوانی هم به یاد عاشقان بوشهر می‌کردم. اما باشد وقتی دیگر، شاید، اگر عمری باقی بود، به دیگر نوروزها، بهاران خجسته باد.